

فرزندپروری اخلاق محور: تعریف، مبانی و اصول تربیتی مبتنی بر آرای علامه طباطبائی^۱

کوثر دهدست^۲، معصومه اسمعیلی^۳

(صفحات ۲۹۰-۳۲۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

چکیده

اهداف: تخلق به اخلاقیات یعنی پایداری دائمی به صفات اخلاقی نیکو به صورت "منش" در انسان کاری است که در آموزش صرف اخلاق نمی‌توان به آن دست یافت. بنابراین دست‌یابی به تعریفی از تربیت اخلاق محور و مبانی و اصول مترتب بر آن به منظور کاربرد در عرصه فرزندپروری هدف این پژوهش است. **روش:** بدین منظور با رویکرد تحقیق هرمنوتیک در مرحله اول به بررسی مبانی و اصول تربیت اخلاق محور مبتنی بر آرای علامه طباطبائی پرداخته شد و در گام بعدی ملاحظات کاربردی آن در فرایند فرزندپروری اخلاق محور تبیین گشت. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد مبانی تربیت اخلاق محور در ۵ محور ایجابی شامل "ثبات اخلاقی" (با دو اصل ملکه ساختن صفات خلقی و ایجاد نگرش توحیدی)، "سرایت فعلی" (با اصل اعتدال)، "عالمیت" (با دو اصل علم تعقلی و علم توحیدی)، "عاملیت" (با دو اصل اراده و حقانیت) و "انگیزش" (با سه اصل برانگیختگی انسانی، توحیدی و حُبی) و ۲ محور زمینه‌ای شامل "وراثت اخلاق" (با دو اصل اصلاح زمینه‌های وراثتی و رعایت تفاوت‌های استعدادی) و "سرایت محیطی اخلاق" (با دو اصل اصلاح بستر محیطی و رعایت الگوی تربیتی) قابل تبیین هستند که مبتنی بر آن می‌توان در فرایند فرزند پروری با محوریت تربیت منش به‌کار بسته شود. **نتیجه‌گیری:** فرزندپروری اخلاق محور رویکردی نوین در عرصه آموزش والدین است که در آن از طریق تمرکز بر رشد مولفه‌های شناخت، عاطفه و اراده اخلاقی در کودکان، زمینه تحقق اهداف

۱. این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری دانشجو است.

۲. نویسنده مسئول، دکتری مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

dehdast92@gmail.com

۳. استاد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

تربیتی انسان‌هایی با منش اخلاقی را فراهم می‌کند.
واژه‌های کلیدی: الگوی فرزند پروری اخلاق محور، مبانی و اصول تربیت اخلاق محور،
 علامه طباطبایی

مقدمه

درک ضرورت و ارزش پرورش نسل تربیت یافته در جهان صنعتی امروز، به نحوی که علاوه بر ارتقای جایگاه فردی شخص، زمینه بهبود عملکرد جامعه را نیز فراهم کند، از اوایل قرن بیستم توجه خاصی را به خود معطوف کرده است (جونز^۱، ۲۰۱۱). طوری که این مسأله در میان فرهیختگان و رهبران به یکی از مهمترین مسائل اساسی کشورها تبدیل شده و آموزش به منظور "تربیت"^۲، به ابزار نیرومند و پرکاربردی در جهت پاسخ‌گویی به چالش‌های پیش روی جوامع در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مبدل گشته و کشورهای مختلف ارتقای سطح سلامت روانی و مهارتی شهروندان خود را برای پرورش نسل کارآمدتر، به وسیله روش‌های گوناگون تربیتی در اولویت قرار داده‌اند (هالووی، هابارد، جونز، پیملوت-ویلسون^۳، ۲۰۱۰).

اما امروزه علی‌رغم تمرکز بسیار بر آموزش‌های هدایت‌گرانه و تربیت‌های مختلف انسان در ابعاد متفاوت عقلانی، هیجانی، اجتماعی، جسمانی و نظایر این، پژوهش‌ها و گزارشات در حوزه مسائل اجتماعی-تربیتی^۴ نشان می‌دهد که جوامع بشری دستاوردهای تربیتی زیادی در این زمینه نداشته و در زمینه بروز جرم و جنایت و هرج و مرج و تخلف از قوانین و بزهکاری، با چالش‌های جدی و فراوانی روبرو هستند (جانسوز و همکاران^۵، ۲۰۰۸) و خانواده‌ها نیز با تربیت فرزندان شان با اشکال روبرو بوده و در زمینه بروز چنین آسیب‌های رفتاری و هیجانی مثل مصرف مواد مخدر، خشونت فیزیکی،

1. Jones, A.

2. Training

3. Holloway, S.L. Hubbard, P. Jöns, H. Pimlott-Wilson, H.

4. Socio-Education Studies and Reports

5. Janosz, M., Archambault, I., Morizot, J., & Pagani, L. S

سرقت و مواردی از این دست مشکلات و ابهامات زیادی دارند (دئوچ، کراکت، وُلَف و راشل^۱، ۲۰۱۲) لذا رهبران و اندیشمندان جوامع درصدد اتخاذ راهبردهایی جهت کم کردن این چالش‌ها هستند (هالووی، هابارد، جونز، پیملوت-ویلسون، ۲۰۱۰).

البته دستیابی به این هدف و در نتیجه کاهش چالش‌های گوناگون پیش روی جامعه به بسیاری از عوامل و سیستم‌های اجتماعی وابسته است و روش زندگی افراد و رفتارهایی که در گستره عمر به خصوص کودکی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند، به طور مستقیم و غیرمستقیم، بر این موضوع تأثیرگذار می‌باشد که تحقیقات فراوانی به نقش و جایگاه نحوه والدگری و بستری که در آن والدین آموزش دیده، زمینه پرورش و تربیت فرزندانشان را به گونه موثری فراهم می‌کنند، اشاره کرده است (برای مثال وایتن، کیرنز، مک کریئر، پنی و فالو^۲، ۲۰۰۹؛ فوی-فیلیپس و لیوید-ایوانز^۳، ۲۰۱۱) به طوریکه این عامل تأثیرگذار، یعنی نقش والدین در تربیت فرزندان و نسل آینده کشورها به یک زمینه مهارتی تبدیل شده است. به این معنا که در آن "روابط شخصی و معمولی خانوادگی"^۴، قابلیت تبدیل شدن به اصول و قواعد تخصصی را دارند (گیلز^۵، ۲۰۱۰).

چنانچه تحقیقات زیادی نیز تاکید خاصی بر نقش سیستم‌های انسانی که به صورت مستقیم در قالب روش‌های فرزندپروری^۶ از کودکان نگه داری و حمایت می‌کنند، کرده و نشان داده از طریق تمرکز بر آموزش‌های والدگری^۷ و به کارگیری آموزش‌های هدایت‌گرانه در حوزه فرزندپروری بسیاری از مشکلات و چالش‌های موجود در این زمینه را می‌توان به حداقل رساند (آیلینژیا و ویلباریس^۸، ۲۰۱۳؛ حیدری، عیسی نژاد و یوسفی؛ ۱۳۹۷).

بررسی ادبیات تحقیق در این زمینه نشان می‌دهد که سبک‌ها و راهبردهای

1. Deutch, A.R. Crockett, L.J. Wolff, J.M. Russell, S.T
2. Witten, K. Kearns, R. McCreanor, T. Penney, L. Faalau. F.
3. Foy-Phillips P, Lloyd-Evans S,
4. Personal Family Relationship
5. Gillies, V
6. Parenting
7. Parenting Education
8. Ailincal, R & Weil-Barras, A

فرزندپروری متفاوتی به وسیله والدین در ارتباط با فرزندان برای رشد فیزیکی، شناختی، هیجانی و اجتماعی آنها به کار می‌رود (مارتین، رایان و بروکس - گان^۱، ۲۰۰۷) و نقش پر رنگی بر چگونگی رشد فرزندان در ابعاد مختلف تربیتی شان دارد (فوی-فیلیپس و لیوید-ایوانز، ۲۰۱۱). در این فرآیند، کودک برای درک آنچه که در اطرافش رخ می‌دهد تا با زندگی بهتر سازگار شود، نیاز به ارتباط موثر دارد (بریج^۲، ۲۰۰۱) که والدین از استراتژی‌های مختلفی برای ارتباط، هدایت و کنترل فرزندان خود استفاده می‌کنند. آن‌ها رفتار فرزندان خود را تثبیت و مجازات می‌کنند، از خود به عنوان الگواستفاده می‌کنند و باورها و انتظارات خود را بیان می‌کنند. بنابراین، روش‌های مختلفی که هر والد در قالب سبک‌های فرزندپروری اجرا می‌کند منجر به رفتارهای متفاوتی در فرزندان شده (بامریند^۳، ۱۹۶) و مطالعه این تعاملات و راهبردها به وسیله پژوهشگران مختلف، تا کنون زمینه ساز تدوین الگوهای گوناگونی در آموزش فرزندپروری بر اساس نظریات مختلف رشدی و تربیتی در دنیا گشته است که شامل الگوی آموزشی مدیریت والدین اورگان^۴، الگوی آموزشی فرزندپروری سال‌های باورنکردنی^۵، الگوی فرزندپروری کمک به کودک ناسازگار^۶، الگوی فرزندپروری حکیمانه^۷، الگوی فرزندپروری کروسار^۸، الگوی فرزندپروری آگاهی‌افزایی^۹، الگوی فرزندپروری مثبت^{۱۰}، الگوی فرزندپروری حمایتی^{۱۱}، الگوی فرزندپروری تقویت خانواده^{۱۲} هستند.

آیلینزیا و ویل-باریس (۲۰۱۳) در این زمینه در پژوهش خود تحت عنوان "کدام الگوی

1. Martin, A., Ryan, R.M & Brooks-Gunn, J
2. Bridge, H
3. Baumrind, D
4. Parent Management Training Oregon Model
5. The Incredible Years: Parent and Children Training Series
6. Helping the Noncompliant Child
7. Parenting Wisely
8. The Krousar Parenting Education Program
9. Parenting Awareness Model
10. Positive Parenting Programs
11. Parents Altogether Lending Support
12. The Strengthening Families Program

مداخله ای برای آموزش فرزندپروری به کار گرفته شود؟^۱، با مروری بر ادبیات پژوهش پیرامون الگوهای متفاوت آموزش فرزندپروری بر اساس تحقیقات صورت گرفته ۷ مدل را در یک چارچوب نظری با عنوان^۲ IMTE از نظر نحوه مداخله، متغیرهای میانجی، ابزار به کار رفته و تأثیرات آن مورد مقایسه قرار دادند که از یافته‌های آنها اینگونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اگرچه این مدل‌ها در نحوه مداخله و به کارگیری ابزارها و متغیرهای میانجی و تئوری‌های زیربنایی به کار رفته با یکدیگر متفاوت هستند ولی اکثراً مبتنی بر تحلیل تعاملات و سبک‌های ارتباطی بین والدین و فرزندان با اعمال کنترل به وسیله تقویت‌کننده‌ها و بازدارنده‌های تشویقی و تنبیهی بیرونی می‌باشند.

در این زمینه گاتفردسون و هیرچی^۳ (۱۹۹۰) بر اساس نوع منبع کنترل در انسان بیان کردند که میزان خودکنترلی^۴ به عنوان یک متغیر تعیین‌کننده اصلی در بروز بد رفتاری و رفتارهای مشکل‌زا و غیرقانونی که احتمال ارتکاب جرم و خطا در آنها زیاد است، بوده و آن را به عنوان سازوکاری تعریف کردند که رفتارهای انسان را به خصوص در هنگام انتخاب خوب و بد کنترل می‌کند. چنانچه تحقیقاتی هم که در این زمینه انجام شده نشان می‌دهد که خودکنترلی پایین اثر معناداری بر روی بروز انواع رفتارهای غیرقانونی و تخلفات نظیر الکلیسم و مصرف مواد داشته و هر قدر خودکنترلی فرد پایین تر باشد، درگیری او در این قبیل کارها بیشتر خواهد بود زیرا مقاومت در برابر وسوسه‌ها کمتر شده و ارتکاب اعمال غیر قراردادی و غیرقانونی بیشتر می‌شود. در این حالت عدم وجود بازداری رفتاری باعث می‌شود فرایند خودکنترلی و خودتنظیمی کمتر به جریان افتد (ورا و مون^۵، ۲۰۱۳؛ شریعتمدار، ۱۳۹۶) لذا اگر خواهان افزایش کنترل اجتماعی و کاهش رفتارهای تخلف از قوانین و هنجارها در انسان هستیم، باید به رویکردهای تربیتی و

1. Parenting Education: Which Intervention model to Use?
2. Intention, Mediation, Tools, Effect
3. Gottfredson, M.R. & Hirschi, T
4. Self Control
5. Vera, E.P. & Moon, B.

درمانی بازگردیم که در آن "اخلاق"^۱ به عنوان یک کنترل گردرونی، می‌تواند عامل این تغییر در نظر گرفته شده (بکوار و بکوار^۲، ۲۰۱۴: ۲۷) و با پیشگیری از رفتارهای این چینی مبتنی بر نظریه کنترل فرد می‌تواند به میزانی از تعهد رفتاری و اعتقادی برای انجام اعمال شایسته برسد، در نتیجه بروز بسیاری از کارهای خلاف و غیرقانونی کاهش پیدا خواهد کرد (هاوکینز و وویز^۳، ۲۰۱۷).

علامه طباطبایی در این زمینه اعتقاد دارند جوامع بشری برای اینکه از حقوق افراد دفاع کنند و هرج و مرجی در جامعه انسانی به وجود نیاید، نیاز به قانون دارد و این مسلم است که قوانین مذکور موثرواقع نمی‌شود مگر آنکه قوانین دیگری به نام قوانین جزایی تدوین شود که ضامن اجرای آن گردد. البته نظام و حاکمیت در صورتی به این آرزو می‌رسد که از جرم مجرمین مطلع باشد و در صورتی که از جرم اطلاع نداشته باشد، مجازات امری غیرممکن خواهد بود و چقدر از جرایم است که در خلوت انجام می‌پذیرد و کسی از آن با خبر نمی‌شود و مجازاتی هم صورت نمی‌گیرد. لذا ضرورت قوانین و سنت اجتماعی بر کسی پوشیده نیست ولی در عین حال با عادلانه ترین قوانین جزائی نیز نمی‌تواند جلوی هر جرم و تخلفی را بگیرد مگر در صورتیکه در آن جامعه فضایل اخلاقی حکومت نماید و مردم به ملکات فاضله نفسانی از قبیل پیروی از حق و احترام و انسانیت و مانند آنها پایبند باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ ج ۱۱: ۱۵۵-۱۵۶).

بر اساس این توضیحات هدف اصلی پژوهشگران تحقیق حاضر تمرکز بر نقش "اخلاق" به عنوان یک عامل خود کنترل گرو تنظیم کننده درونی با هدف آموزش های فرزندپروری قرار گرفت تا از طریق تحقیق و کاربردی کردن نتایج آن و به کارگیری آموزش های هدایت گرانه در حوزه فرزندپروری اخلاق محور به کم کردن بسیاری از مشکلات و چالش های موجود در این زمینه در دراز مدت اندیشیده شود. اما کار پژوهشی در این زمینه نیازمند داشتن تعریفی از اخلاق است که از زاویه ای مبتنی بر هستی

1. Ethics

2. Becvar, D.S. & Becvar, R.J.

3. Hawkins, J.D. & Weis, J.

شناسی حقیقی انسان یعنی دین آن را داشته باشد. زیرا اخلاق در تعیین و کشف ارزش‌های اخلاقی و مصادیق و جزئیات آن و همچنین تعیین هدف ارزش‌های اخلاقی و ضمانت اجرایی آن به دین نیازمند است.

بررسی پیشینه تاریخ مکتوب علم و فلسفه اخلاق نشان می‌دهد که طرح مباحث اخلاقی به پیش از میلاد و به زمان افرادی چون افلاطون، ارسطو و سقراط برمی‌گردد. بررسی اجمالی تألیفات در این زمینه نشان داد دانشمندان مسلمانی چون، فارابی، ابن مسکویه، خواجه نصیرالدین طوسی، ملاصدرا و ملا احمد نراقی در حوزه "اخلاق نظری" چشم انداز قابل توجهی را فراروی پژوهشگران و اندیشمندان قرار داده‌اند ولی در حوزه "اخلاق عملی" با رویکرد دینی کتاب‌های قابل توجهی نداشته‌اند. از جمله اندیشمندان مسلمان معاصری که در این دو حوزه "نظری و عملی" به طرح نکات عمیقی پرداخته است، علامه طباطبایی است.

علامه طباطبایی از دانشمندانی است که ورود به نوشته‌ها و آرای ایشان نشان می‌دهد که در حوزه اخلاق نظری، فلسفه اخلاق، چیستی اخلاق و مفاهیم وابسته به آن تخصص داشته و صاحب نظر است^۱ و در کتاب‌های خود به خصوص در المیزان، به بحث‌های نظری و عملی پیرامون اخلاق و تربیت اخلاقی پرداخته‌اند.

از طرفی چون "تربیت" هسته و هدف اصلی هر الگوی فرزندپروری می‌باشد، لذا در این پژوهش در صدد برآمدیم تا با تمرکز بر تعریف دو مفهوم "اخلاق" و "تربیت" از نگاه علامه طباطبایی، آراء و نظرات مفهومی را تدوین کنیم تا در پژوهش‌های دیگر بتوانیم آن را در قالب الگوی عملی فرزندپروری تربیت اخلاق محور ارائه دهیم^۲. اما اینکه این هدف در کشور ما بر اساس چه مبانی، اصولی می‌تواند به تربیت اخلاق محور انسان منجر شود؛

۱. شهید مطهری در این زمینه مینویسند: "علامه بیش از همه در میان حکمای مسلمان در این باره (اخلاق) بحث کرده است" (کتاب نقدی بر مارکسیسم صفحه ۱۹۰)

۲. مقاله ای تحت عنوان "طراحی و اعتباریابی الگوی مفهومی و عملی تربیت منش اخلاق محور بر اساس افق علامه طباطبایی: رویکردی نوین در عرصه فرزندپروری" به نویسندگی دهدست، اسمعیلی و فرح بخش چاپ شده در مجله سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت به این موضوع پرداخته است.

سوالی است که در این پژوهش در صدد پاسخگویی به آن هستیم تا از این طریق به تدوین مبانی زیربنایی الگوی فرزندپروری اخلاق محور نائل شویم.

در این میان مطالعات اجمالی اولیه آرای علامه طباطبایی در زمینه اخلاق و تربیت اخلاقی نشان داد که این فرایند از طریق تربیت صفات خُلقی شخصیت که در تفسیر واژه "شاکله" آورده شده و نزدیک ترین معنی اصطلاحی آن "منش" است، صورت می‌گیرد. بنابراین هدف از تحقیق حاضر پاسخ به این پرسش‌ها است:

اول مبانی و اصول تربیت اخلاق محور به منظور کاربرد در عرصه فرزندپروری چیست؟

دوم تعریف تربیت اخلاق محور به منظور کاربرد در عرصه فرزندپروری شامل چه مولفه‌هایی است؟

سوم ملاحظات کاربردی فرزندپروری اخلاق محور مبتنی بر مبانی، اصول و تعریف تربیت اخلاق محور ارائه شده، شامل چه مواردی است؟

روش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر هرمنوتیک کلاسیک^۱ است به این معنا که مبتنی بر این دیدگاه فکری برای فهم متن، جامعه مورد نظر که آرای علامه طباطبایی در کتاب تفسیر المیزان بود را از طریق نرم افزار جستجوگر کتابخانه مدرسه فقهت، با جستجوی کلید واژه‌های تربیت، اخلاق، تربیت اخلاقی مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار دادیم. به این منظور در ابتدا پرسش‌هایی که متن عهده دار پاسخ‌گویی به آنها بود مثل اینکه تربیت از دیدگاه علامه چه معنا، هدف و روش‌هایی دارد؟ اخلاق چیست و مکتب قرآنی علامه این مفهوم را با مقایسه سایر مکاتب، چگونه تبیین می‌کند؟ را شناسایی کردیم و در ادامه به صورت پیشرونده مبتنی بر نظریه در حال شکل‌گیری، این

1. Classic Hermeneutics Paradigms

سوال‌ها شکل‌های جدیدتر و دیگری به خود گرفته و واژه‌هایی که در جریان تحقیق برای جستجو کشف می‌شد، مثل تعقل، ایمان، ادراک، اراده متفاوت از کلیدواژه‌های قبلی فرایند بررسی را پیش برد.

لازم به ذکر است فهم گفته‌های مولف برای پاسخ به سوال چیستی مبانی و اصول تربیت اخلاق محور بر اساس نظر شلایرماخر پیرامون ابعاد فهم یعنی تفسیر دستوری^۱ و روان‌شناختی^۲ صورت گرفت. به این معنا که بر اساس تفسیر دستوری یا نحوی، اندیشه و بیان مولف (در اینجا علامه طباطبایی)، که با جنبه‌های زبان‌شناسانه فهم سروکار دارد؛ در کنار بُعد تفسیر روان‌شناختی که به معنای جایگزینی مفسر (یا پژوهشگر) به جای ذهن مولف است، بر اساس اصل ادغام افق‌ها در این روش تحقیق انجام گرفته و برای طبقه‌بندی گزاره‌های استخراج شده در قالب مبانی و اصول و تعریف تربیت اخلاق محور روش کدگذاری کیفی در سه مرحله اصلی کدگذاری آزاد، کدگذاری محوری و کدگذاری نظری استفاده شد.

در مرحله کدگذاری آزاد که یک فرایند تحلیلی است، مفاهیم نهفته در داده‌ها شناسایی و ایده‌های اصلی موضوع از دو طریق کشف تمایزات و جداسازی؛ و دیگری طبقه‌بندی و یکپارچه‌سازی مفاهیم تحت یک عنوان واحد، آشکار شد. این کار به نوعی طبقه‌بندی مفهومی محسوب می‌شد تا در مرحله کدگذاری محوری، مبتنی بر مفاهیم آزاد استخراج شده، یک شبکه مفهومی در قالب عنوانی فراگیر به صورت یکپارچه ارائه گشت. این مرحله در راستای دستیابی به ساختار منسجمی از مفاهیم ادامه یافت تا در مرحله آخر یعنی کدگذاری نظری، شبکه مفهومی ایجاد شده در قالب یک عنوان فراگیر مبتنی بر ادغام افق مولف (علامه طباطبایی) و محقق یکپارچه شدند.

1. Grammatical Interpretation

2. Psychological Interpretation

گزاره‌های حاصل از مرحله کدگذاری نظری، به نوعی درون مایه اصلی نظریه در حال شکل‌گیری پیرامون تربیت اخلاق محور و مبانی و اصول مترتب بر آن را شکل داده‌اند. در این روش مفاهیم به صورت ترکیب هدفمندی از ۲ استراتژی متمایز استقرایی^۱ و قیاسی^۲ از متن استخراج شدند. به این ترتیب که در ابتدای کار که اطلاعات کافی درباره سوال مورد نظریه یعنی "چیستی مبانی و اصول و چگونگی روش‌های تربیت اخلاق محور" وجود نداشت، اغلب رویکرد استقرایی مورد توجه قرار گرفت. زیرا این شیوه تحلیل بیشتر به دنبال تقلیل اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق پیرامون موضوع است. چنانچه بلیکی^۳ (۲۰۰۷) هدف تحقیق استقرایی را کمک به پدید آمدن یافته‌های تحقیق با توجه به مضامین مسلط و متداول در داده‌ها از طریق خلاصه‌سازی می‌داند تا اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع مشخص شود.

در مرحله بعد با توجه به رویکرد قیاسی، فرایند مطالعه به شکلی ساخت یافته تدریجی جهت استخراج مبانی و اصول تربیت اخلاق محور شکل گرفت. به این معنا که از طریق تعریف نظری مبانی و اصول^۴، مقولات اصلی که معرف آنها بودند، استخراج شد و مراحل کدگذاری محوری و نظری بر اساس ادغام افق مولف و محقق انجام شد تا در نهایت فراتر از یک حرکت خطی، و در یک فرایند رفت و برگشت مکرر، فهم چیستی تعریف و مبانی تربیت اخلاق محور و اصول مترتب بر آن صورت گرفت تا در عرصه فرزندپروری مورد کاربرد قرار بگیرد.

1. Inductive Approach
2. Deductive Approach
3. Blaikie, N

۴ - مبانی گزاره‌های توصیفی و خبری درباره یک موضوع حاوی "هست و نیست‌ها" هستند که به روابط و مناسبات واقعی میان امور ناظر بوده و از علوم دیگر مانند هستی‌شناسی، معرفت و انسان‌شناسی اخذ می‌شوند و در تعلیم و تربیت از نتایج آنها استفاده می‌شود و اصول گزاره‌های تجویزی با محتوای مفهومی "باید و نباید" هستند که از اهداف و مبانی استنباط شده و راهنمای روش‌ها و فعالیت‌ها در تعلیم و تربیت می‌شوند (باقری، ۱۳۹۵).

یافته‌ها

در این بخش، محقق تلاش کرده است مبتنی بر درک مبانی هستی‌شناسی قرآن کریم در دیدگاه علامه طباطبایی درباره انسان و ماهیت وجودی او، مبانی و اصولی را برای توصیف و تبیین فرایند تربیت اخلاق محور با هدف طراحی الگوی فرزندپروری ارائه دهد. بنابراین در هر قسمت، ابتدا مبنای هستی‌شناسانه انسان ارائه می‌شود و مبتنی بر آن مبانی و اصول استخراج شده پیرامون تربیت اخلاق محور توضیح داده خواهد شد. این مبانی و اصول در ۵ محور ایجابی و ۲ محور زمینه‌ای به صورت زیر در جداول ۱ تا ۷ و شکل ۱ قابل مشاهده هستند:



جدول ۱- کدهای تبیین کننده مبنای هستی شناسانه انسان و اولین مبنای ایجابی

تربیت اخلاق محور و اصل مترتب بر آن براساس آراء علامه طباطبایی

آراء علامه طباطبایی (افق مولف)	کدهای محوری (افق محقق)
<p>- ما در خود معنا و حقیقتی می یابیم که از آن تعبیر به "من" می کنیم.... این "من" در هیچ یک از اعضای محسوس و حواس ظاهری و اعضای باطنی نیست. زیرا حکم ماده این است که به تدریج تغییر می پذیرد و قابل قسمت و تجزیه است ولی "من" اینگونه نیست و کمترین دگرگونی و تعددی به خود نمی گیرد. (ج: ۱ ص: ۵۴۹-۵۵۷).</p>	<p>"وجود انسان ماهیتی مجرد از ماده داشته و دارای ثبات در طول زمان و مکان است"، اولین مبنای هستی شناسانه کلی آفرینش مرتبط با تربیت انسان</p>
<p>- اخلاق فاضله اگر بخواهد موثر واقع شود، باید در نفس ثبات و استقرار داشته باشد (ج: ۴ ص: ۱۷۵) - با عادلانه ترین قوانین جزائی نیز نمی تواند جلوی هر جرم و تخلفی را بگیرد مگر در صورتیکه در آن جامعه فضایل اخلاقی حکومت نماید و مردم به ملکات فاضله نفسانی از قبیل پیروی از حق و احترام و انسانیت و مانند آنها پایبند باشند (ج: ۱ ص: ۱۵۵)</p>	<p>"ثبات اخلاقی" به معنای پایداری و استقرار فعل اخلاقی اولین مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور است.</p>
<p>- (برای ملکه سازی صفات) باید آنقدر آن را تکرار کنی تا در نفس تورا بسوزد و چون نقشی که در سنگ کنند، ثابت گردد (ج: ۱ ص: ۵۶). - علم اخلاق حد فروع را برایت بیان می کند که چگونه می توانی از دو طریق علم و عمل آن خوب را در نفس خود ملکه سازی... تا در نفس تورا بسوزد و چون نقشی که در سنگ می کنند، ثابت گردد (ج: ۱ ص: ۵۶).</p>	<p>"ایجاد ملکه صفات اخلاقی" به معنای نقش بستن علمی و عملی اخلاق در نفس اولین اصل مترتب بر مبنای ثبات اخلاقی است.</p>
<p>- اخلاق فاضله اگر بخواهد موثر واقع شود باید در نفس ثبات داشته باشد و استقرارش نیازمند ضامنی است که آنرا ضمانت کند و جز توحید تضمین نمی کند (ج: ۴ ص: ۱۷۵) - تنها کسانی پایبند فضائل اخلاقی می شوند که معتقد باشند به وجود خدایی واحد (ج: ۴ ص: ۱۷۵) - چنین کسی خدا را با خود می داند و معتقد است او عمل هرانسانی را می بیند و در ماورای این عالم روزی است که در آن هرانسانی آنچه کرده را حاضر می بیند (ج: ۴ ص: ۱۷۷)</p>	<p>"ایجاد نگرش اخلاقی (توحید محور)" به معنای ایجاد گرایش ذهنی برای انجام عمل در انسان (با محوریت توحید) دومین اصل مبنای ثبات اخلاقی است.</p>
<p>کد نظری (ادغام افق مولف و محقق)</p>	<p>بر اساس مبنای هستی شناسی ثبات شخصیت و هویت در انسان، "ثبات اخلاقی" به معنای پایداری و استقرار دائم صفت اخلاقی در نفس، اولین مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور بوده و "ایجاد ملکه صفات اخلاقی" و "ایجاد نگرش اخلاقی (توحید محور)" اصول مترتب بر آن هستند.</p>

❖ مبنای هستی شناسی: فعل انسان حول محور اعتدال قوا توان سرایت از یک عمل به اعمال دیگر را داراست.

- مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور: سرایت فعلی
- اصل: اعتدال، عامل بنیادی فعل اخلاقی

جدول ۲- کدهای تبیین‌کننده مبنای هستی‌شناسانه انسان و دومین مبنای ایجابی

تربیت اخلاق محور و اصل مترتب بر آن براساس آرای علامه طباطبایی

آرای علامه طباطبایی (افق مولف)	کدهای محوری (افق محقق)
<p>- افعال در عین اینکه آثار و صفات نفس هستند، در نفس و صفات آن اثر مسلم می‌گذارند و از این مطلب یک اصل استنتاج می‌شود و آن هم سرایت صفات و اخلاق است (ج:۲، ص:۲۲۵).</p> <p>- اسلام دینی است که براساس فطرت تشریح شده و در آن امور فطری را گرفته و تعدیل می‌کند آن مقدارش که در حیات بشر لازم است معتبر و واجب می‌سازد و آنچه نقص و خلل که در آن هست و بشر به آن نیازی ندارد را حذف نموده و از اعتبار می‌اندازد (ج:۴، ص:۲۸۰).</p>	<p>"فعل انسان حول محور اعتدال قوا توان سرایت از یک عمل به اعمال دیگر را دارد"،</p> <p>دومین مبنای هستی‌شناسانه کلی آفرینش مرتبط با تربیت انسان</p>
<p>- افعالی که از انسان سر می‌زند، ارتباطی با احوال درونی و ملکات اخلاقی دارد و از سرچشمه صفات نفسانی تراوش می‌کند و در عین حال تأثری متقابل در نفس دارند (ج:۲، ص:۲۲۵).</p> <p>- عمل هر چه باشد، مناسب با اخلاق آدمی است (ج:۱۳، ص:۲۶۲).</p>	<p>"سرایت فعلی اخلاق" به معنای تسری پیدا کردن حلقوی تأثیر اعمال انسان در صفات خلقی و بالعکس دومین مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور است.</p>
<p>- این ملکه‌های خلقی در ارتباط با سه قوه شهوت، غضب و فکرهاستند و باعث عمل انسان می‌شوند (ج:۱، ص:۵۵۸).</p> <p>- همه اعمال انسان یا به منظور جلب منفعت انجام می‌شود که ناشی از قوه شهوت است. یا به منظور دفع ضرر انجام می‌شود که ناشی از قوه غضب است و یا ناشی از تصدیق فکری است مانند استدلال کردن که برای هر کاری مصالحی که در آن کار هست را با مفساد آن می‌سنجد و سبک و سنگین می‌کند و سرانجام یکی از دو طرف می‌چربد که ناشی از قوه فکراست (ج:۱، ص:۵۵۸).</p> <p>- (فضیلت وقتی ایجاد می‌شود که) انسان نگذارد هیچ یک از این قوای سه گانه راه افراط و یا تفریط را برود و از حد وسط تجاوز کند (ج:۱، ص:۵۵۹).</p> <p>- تنها چیزی که منشأ همه رذائل اخلاقی است، اسراف و افراط در لذت‌های مادی در عده ای و تفریط و محرومیت آن در عده ای دیگر است (ج:۴، ص:۱۷۵)</p>	<p>"اعتدال"</p> <p>به معنای ایجاد تعادل در قوای وجودی انسان به عنوان عامل شکل‌گیری صفات اخلاقی (یا فضیلت‌ها)</p> <p>اصل ایجابی مترتب بر آن است..</p>

<p>براساس مبنای هستی‌شناسی سرایت اعمال حول محور اعتدال، "سرایت فعلی اخلاق" به معنای تسری پیدا کردن حلقوی تأثیر اعمال انسان در صفات خلقی و بالعکس، دومین مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور بوده و "اعتدال" به معنای ایجاد تعادل در قوای وجودی انسان به عنوان عامل بنیادی فعل اخلاقی (یا فضیلت‌ها) اصل مترتب بر آن است.</p>	<p>کد نظری (ادغام افق مولف و محقق)</p>
---	--

❖ مبنای هستی‌شناسی: انسان قابلیت وجودی ارتباط با جهان هستی و شناخت پیدا کردن به آن را دارا بوده و لذا نیازمند آگاهی است.

- مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور: عالمیت
- اصل: علم تعقلی
- اصل: علم توحیدی

جدول ۳- کدهای تبیین کننده مبنای هستی شناسانه انسان و سومین مبنای ایجابی تربیت

اخلاق محور و اصول مترتب بر آن بر اساس آراء علامه طباطبایی

آراء علامه طباطبایی (افق مولف)	کدهای محوری (افق محقق)
<p>- سعادت و شقاوت وقتی در انسان محقق می شود که ادراک (علم) او فعلیت پیدا کرده و مستقر شده باشد. و ادراک از آنجا که مجرد است، مقید به زمان نیست (ج: ۸، ص: ۱۲۶).</p> <p>- احتیاج اولین چیزی است که انسان آن را مشاهده می کند و آن را در ذات خود و هر چیزی که مرتبط با قوا و اعمال اوست و همچنین در سراسر جهان بیرون از خود می بیند، و در همین اولین ادراک حکم می کند به وجود ذاتی که حوائج او را برآورد و وجود هر چیزی منتهی به او می شود و آن ذات خدای سبحان است (ج: ۸، ص: ۴۵۷).</p>	<p>"انسان به صورت وجودی توان ارتباط با جهان هستی و شناخت پیدا کردن به آن را دارا بوده و لذا نیازمند آگاهی است"،</p> <p>سومین مبنای هستی شناسانه کلی آفرینش مرتبط با تربیت انسان</p>
<p>- در عالم تحقق و خارج، اول باید به اعمال صالح و اخلاق فاضله عالم شد و بعد به آنها عمل کرد تا به تدریج زکات (پاکی دل) به دست آید (ج: ۱۹، ص: ۴۴۷).</p> <p>- طریق علمی کسب فضائل و ملکه های نفسانی این است که به خوبی آن اذعان پیدا کنی (ج: ۱، ص: ۵۵۹).</p> <p>- هر صفتی که بخواهی از خود دور کنی یا در خود ایجاد کنی، راه اولش تلقین علمی است (ج: ۱، ص: ۵۶۰).</p>	<p>"عالمیت"</p> <p>به معنای بینش تشخیصی پیدا کردن به افعال اخلاقی از طریق تلقین خوبی عمل، سومین مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور است.</p>
<p>- عقل به معنای ادراک و فهمیدن کامل و تمام چیزی هست که حقیقت جداکننده حق و باطل، خیر و شر، راست و دروغ می شود (ج: ۱، ص: ۴۰۵).</p> <p>- تشخیص (خوب و بد) در انسان هست و مجتمعات بشری با همه اختلاف سلیقه ای که دارند، قبول دارند که تکلیف، فرع داشتن قوه مشخصه ای است که از آن به عقل تعبیر می شود (ج: ۶، ص: ۶۳۴).</p> <p>- آن عقلی که انسان را به حق دعوت می کند، عقل عملی است که به حُسن و قُبْح حکم می کند و برای ما مشخص می کند که چه عملی نیکو و چه عملی زشت است (ج: ۲، ص: ۲۲۲).</p>	<p>"علم عقلی"</p> <p>به معنای ایجاد بینش تشخیصی حق و باطل و خوب و بد اخلاقی از طریق به کارگیری عقل، اصل مترتب بر مبنای عالمیت است.</p>
<p>- برای هدایت بشر این تنها کافی نیست که او را مجهز به عقل کنند، چون همین عقل است که اختلاف و بهره کشی در بشر را پدید می آورد (ج: ۱، ص: ۳۸۹).</p> <p>- اسلام حد کمال و تمام رسیدن به مکارم اخلاق را وقتی می داند که بشر</p>	<p>"علم توحیدی"</p> <p>به معنای ایجاد بینش تشخیصی حق و باطل و خوب و بد اخلاقی از طریق</p>

آراء علامه طباطبایی (افق مولف)	کدهای محوری (افق محقق)
دارای حیاتی متکی بر بندگی خدای سبحان باشد (ج ۴: ص ۱۷۴). - طبیعت سوجدوی بشر دائماً متمایل به آن جانبی هست که صلاح خود را در آن سومی بیند، بنابراین کمال حقیقی و سعادت واقعی اش جز به وسیله هدایت الهی حاصل نمی شود (ج ۲: ص ۲۲۳).	هدایت الهی، اصل دوم مترتب بر مبنای عالمیت است.

کدنظری (ادغام افق مولف و محقق)	بر اساس مبنای هستی شناسی قابلیت وجودی انسان برای ارتباط با جهان هستی و نیاز به آگاهی او، "عالمیت" به معنای بینش تشخیصی پیدا کردن به افعال اخلاقی از طریق تلقین خوبی عمل، سومین مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور قرار گرفته و "علم تعقلی" و "علم تعبدی" یعنی ایجاد بینش تشخیصی حق و باطل و خوب و بد اخلاقی از طریق به کارگیری عقل و هدایت الهی دو اصل مترتب بر آن می شوند.
-----------------------------------	--

❖ مبنای هستی شناسی: انسان مختار و مسئول است.

- مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور: عاملیت
- اصل: اراده، واسطه تحقق عمل
- اصل: حقایق، معیار انتخاب عمل

جدول ۴- کدهای تبیین کننده مبنای هستی شناسی انسان و چهارمین مبنای ایجابی

تربیت اخلاق محور و اصول مترتب بر آن بر اساس آرای علامه طباطبایی

آرای علامه طباطبایی (افق مولف)	کدهای محوری (افق محقق)
- منظور از حق که می فرماید به سوی شما انسان ها آمده، اعلامی است عمومی به اینکه همه انسان ها در آنچه بای خود انتخاب می کنند آزادند و هیچ کس نمی تواند آزادی در انتخاب او را سلب کند.... پس انسان ها می توانند هر یک از این دورا که برای خود می پسندند، انتخاب کنند؛ یا نفع و یا ضرر را (ج ۱: ص ۱۹۸). - خداوند مالکیت مطلق خود را تأیید کرده و انسان تنها تصرفاتی در ملک او می تواند بکند که خود او (خداوند) اجازه داده باشد یا خواسته باشد (براین اساس) خود را محاسب و بازخواست کننده و خلق را مسئول و مواخذ دانسته است (ج ۱: ص ۱۴۶).	"انسان مختار و مسئول است"، چهارمین مبنای هستی شناسانه کلی آفرینش مرتبط با تربیت انسان
- علوم عملی یعنی علومی که به منظور عمل کردن و به کار بستن فرا گرفته	"عاملیت"

کدهای محوری (افق محقق)	آرای علامه طباطبایی (افق مولف)
<p>به معنای انجام عملی علم کسب شده، از طریق تکرار مداوم و اختیاری آن، چهارمین مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور است.</p>	<p>می شود، وقتی می تواند در مرحله عمل به طور کامل نتیجه دهد که فراگرفتنش ضمن تمرین و عمل باشد. زیرا اگر انسان کار پسندیده ای را آموخته باشد ولی هیچ وقت به آن عمل نکرده باشد، موقع عمل نمی تواند از معلوماتی که کسب کرده، استفاده نماید (ج ۶: ص ۳۶۷).</p>
<p>"اراده واسطه تحقق عمل" به معنای وقوع اعمال توسط عامل اراده، اصل اول مترتب بر مبنای عاملیت است.</p>	<p>- حقیقت قوانین تنها معلوماتی است که جایز ذهن و دل مردم است و وقتی اراده انسان به آن تعلق بگیرد، مورد عمل واقع میشود. یعنی اعمالی بر طبق آنها انجام می دهد (ج ۴: ص ۱۷۳). - تنها علت حفظ اراده ها همان اخلاق عالیه انسانی است. چون اراده در بقایش و ادامه حیاتش تنها می تواند از اخلاق مناسب خود استمداد کند (ج ۴: ص ۱۷۳).</p>
<p>"حقانیت، معیار انتخاب عمل" به معنای تعلق اراده به انجام عمل، بر اساس سنجش با معیار حق از طریق گوش سپاری به همه سخنان و پذیرش بهترین آنها اصل دوم مترتب بر مبنای عاملیت است.</p>	<p>- انسان مطبوع و مفلطح به طلب حق است و به فطرت خود رشد و رسیدن به واقع را طالب است (ج ۱۷: ص ۳۸۰). - بهترین قول آن قولی است که آدمی را بهتر به حق برساند و برای انسان خیرخواهانه تر باشد (ج ۱۷: ص ۳۸۰). - انسان باید وضعی به خود بگیرد که هر سخن حقی را بپذیرد و آن را رد نکند (ج ۱۷: ص ۳۸۷). - بندگان خدا هر چه بشنوند، به آن گوش می دهند و این طور نیست که متابعت هوای نفس کنند و هر سخنی را به صرف شنیدن، بدون تفکر و تدبر رد کنند (ج ۱۷: ص ۳۸۰).</p>

<p>بر اساس مبنای هستی شناسی اختیاری و مسئولیت انسان، "عاملیت" به معنای انجام عملی علم کسب شده، از طریق تکرار مداوم و اختیاری آن؛ چهارمین مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور بوده و "اراده" به عنوان واسطه تحقق عمل و "حقانیت" به عنوان معیار انتخاب عمل دو اصل مترتب بر آن می باشند.</p>	<p>کد نظری (ادغام افق مولف و محقق)</p>
---	---

❖ مبنای هستی شناسی: انسان با ذات اشتیاق آفریده شده است.

- مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور: انگیزش
- اصل: برانگیختگی انگیزشی دنیایی
- اصل: برانگیختگی انگیزشی آخرتی
- اصل: برانگیختگی انگیزشی حُبی

جدول ۵- کدهای تبیین کننده مبنای هستی شناسانه انسان و پنجمین مبنای ایجابی

تربیت اخلاق محور و اصول مترتب بر آن براساس آرای علامه طباطبایی

کدهای محوری (افق محقق)	آرای علامه طباطبایی (افق مولف)
<p>"انسان با ذات اشتیاق آفریده شده است"، پنجمین مبنای هستی شناسانه کلی آفرینش مرتبط با تربیت انسان</p>	<p>- طبع بشر چنین است که به چیزی اشتها و میل و (اشتیاق) پیدا کند و چیزی را دوست بدارد که نفعش عایدش شود (المیزان، ج ۴: ص ۱۷۵).</p>
<p>"انگیزش" به معنای میل و گرایش عاطفی به انجام اعمال بر محوریت حق (و نه سود و نفع دنیوی)، پنجمین مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور است.</p>	<p>- حُب عبارت است از تعلق و ارتباط وجودی بین محب و محبوب... و چون حُب عبارت از این است، لذا ما افعال خود را دوست می داریم تا به وسیله آن استکمال کنیم و آنچه را هم که متعلق به افعال ماست دوست می داریم تا آن را وسیله و ابزار کار خود کنیم (ج ۱: ص ۶۲۰).</p> <p>- منطلق احساس انسان را تنها به منافع دنیوی دعوت می کند و هر جا که پای نفعی مادی در کار بود، به سوی انجام آن عمل تحریک و وادار می شود ولی در منطلق تعقل، انسان به سوی عملی تحریک می شود که حق را در آن ببیند و تشخیص دهد (ج ۴: ص ۱۷۷)</p> <p>- چنین کسی پیروی حق را سودمندترین عمل می داند حال چه اینکه سود مادی هم در انجام آن احساس بکند یا نکند (ج ۴: ص ۱۷۷).</p>
<p>"برانگیختگی انگیزشی دنیایی" به معنای توجه به تحریک و تشویق های انسانی و عاقبت کارها در دنیا، اصل اول مترتب بر مبنای انگیزش است.</p>	<p>- تکرار عمل از چند طریق بدست می دهد: طریقه اول توجه به فواید دنیوی فضائل و تحسین افکار عمومی است (ج ۱: ص ۵۳۳).</p> <p>- یعنی هدف و غرض جلب توجه و حمد و ثنای مردم است (ج ۱: ص ۵۶۱)</p> <p>- مساله تعریف و مدح مردم تا حدی مشوق هست که مردم از آن آگاه شوند (ج ۱۱: ص ۲۱۳).</p>
<p>"برانگیختگی انگیزشی آخرتی" به معنای عاقبت اندیشی به کارها در آخرت، اصل دوم مترتب بر مبنای انگیزش است.</p>	<p>- طریقه دوم تهذیب اخلاق این است که آدمی فواید (و نتایج) آخرتی آن را در نظر بگیرد (ج ۱: ص ۵۳۵).</p>

آرای علامه طباطبایی (افق مولف)	کدهای محوری (افق محقق)
<p>- طریقه سوم محوزمینه‌های رذائل اخلاقی است و آن عبارت است از اینکه انسان‌ها را از نظر اوصاف و طرز تفکر طوری تربیت کرد که دیگر محل موضوعی برای رذائل اخلاقی باقی نگذارد (ج:۱، ص:۵۳۹).</p> <p>- این طریقه سوم بر اساس توحید خالص بنا گذاشته شده و محبت عبودی و ترجیح دادن جانب خدایر جانب خلق و بنده است (ج:۱، ص:۵۴۲)</p> <p>- در این مسلک انسان هرکاری می‌کند به این جهت است که محبوبش دوست دارد و اگر نمی‌کند، برای این نمی‌کند که محبوبش از آن کراهت دارد. لذا نه فضیلتی برایش مطرح است و نه رذیلتی؛ نه ستایش مردم و نه بهشت و دوزخ (ج:۱، ص:۵۶۲).</p>	<p>"برانگیختگی انگیزشی خُبی"</p> <p>به معنای انجام کارها با هدف جلب رضایت خداوند، اصل سوم مترتب بر مبنای انگیزش است..</p>

<p>کد نظری (ادغام افق مولف و محقق)</p>	<p>بر اساس مبنای هستی‌شناسی ذات اشتیاق در انسان، "انگیزش" به معنای میل و گرایش عاطفی به انجام اعمال بر محوریت حق (و نه سود و نفع دنیوی) به عنوان سودمندترین عمل قابل انتخاب، پنجمین مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور شده و "برانگیختگی انگیزشی دنیایی"، "برانگیختگی انگیزشی آخرتی" و "برانگیختگی انگیزشی خُبی" اصول مترتب بر آن هستند.</p>
--	---

❖ مبنای هستی‌شناسی: انسان حامل گذشته نسل هاست.

- مبنای زمینه ای تربیت اخلاق محور: وراثت اخلاق
- اصل: اصلاح زمینه‌های وراثتی
- اصل: رعایت تفاوت‌های استعدادی

جدول ۶- کدهای تبیین‌کننده مبنای هستی‌شناسانه انسان و اولین مبنای زمینه ساز تربیت

اخلاق محور و اصول مترتب بر آن بر اساس آرای علامه طباطبایی

آرای علامه طباطبایی (افق مولف)	کدهای محوری (افق محقق)
<p>- مانعی ندارد که نسل‌های آینده پاره ای از خصوصیات اخلاقی نسل‌های گذشته را به ارث ببرند؛ چه خصوصیات مادی و بدنی آنان را و چه خصوصیات روحی شان را (ج:۱۰، ص:۴۹۴).</p>	<p>انسان حامل گذشته نسل هاست، ششمین مبنای هستی‌شناسانه کلی آفرینش مرتبط با تربیت انسان</p>

کدهای محوری (افق محقق)	آرای علامه طباطبایی (افق مولف)
<p>"وراثت اخلاق"</p> <p>به معنای به ارث رسیدن صفات خلقی در انسان، اولین مبنای زمینه ساز تربیت اخلاق محور است.</p>	<p>- بقای وجود صفات و اخلاق به وسیله وراثت وسعت طولی میابد (ج۲: ص ۲۲۵).</p>
<p>"اصلاح زمینه‌های وراثتی"</p> <p>به معنای اصلاح شرایط زایشی زمینه ساز وراثت صفات خلقی در انسان، اصل اول مترتب بر مبنای وراثت اخلاق است.</p>	<p>- یک شاکله آدمی زاینده نوع خلقت و خصوصیات ترکیب مزاج اوست که شاکله ای شخصی و خلقتی است (ج ۱۳: ص ۲۶۴).</p> <p>- میان صفات درونی و نوع ترکیب بدنی انسان ارتباط خاصی است (طوریکه) پاره ای مزاج‌ها خیلی زود عصبانی می شوند و پاره ای دیگر شهوت شکم یا غریزه جنسی در آنها زود فوران می کند (ج ۱۳: ص ۲۶۲).</p>
<p>"رعایت تفاوت‌های استعدادی"</p> <p>به معنای توجه به تأثیر وراثت صفات خلقی، اصل دوم مترتب بر مبنای وراثت اخلاق است.</p>	<p>- انسان‌ها هم مانند اجسام نسبت به نور آفتاب که یک نور را که تمامی اجزایش نظیر همند، افاضه می‌کند ولی اجسام در گرفتن و استفاده از آن مختلفند، بر حسب قوه و استعدادی که دارند، در آن نور دخل و تصرف می‌کنند (ج ۱۳: ص ۱۰۳).</p>
<p>بر اساس مبنای هستی‌شناسی وراثت نسلی، "وراثت اخلاق" اولین مبنای زمینه ساز تربیت اخلاق محور است که "اصلاح زمینه وراثتی" و "رعایت تفاوت‌های استعدادی" اصول مترتب بر آن هستند.</p>	<p>کد نظری (ادغام افق مولف و محقق)</p>

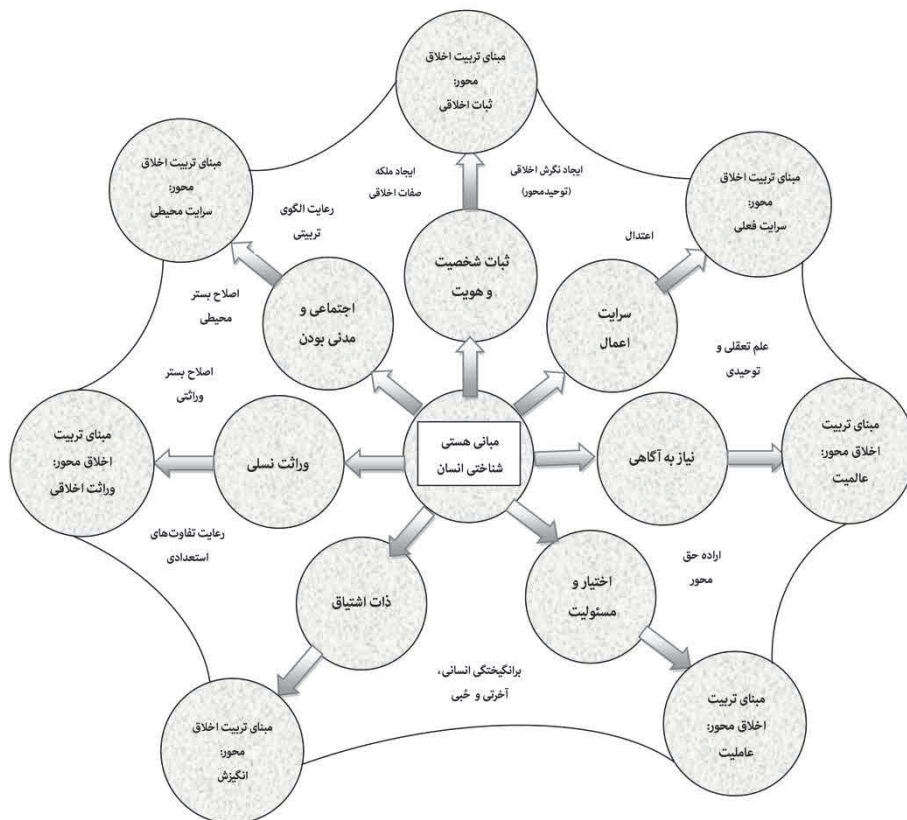
❖ انسان موجودی مرتبط با محیط، مدنی و اجتماعی است.

- مبنای زمینه ای تربیت اخلاق محور: سرایت محیطی اخلاق
- اصل: اصلاح بستر محیطی
- اصل: رعایت الگوی تربیتی

جدول ۷- کدهای تبیین کننده مبنای هستی شناسانه انسان و دومین مبنای زمینه ساز

تربیت اخلاق محور و اصول مترتب بر آن براساس آرای علامه طباطبایی

کدهای محوری (افق محقق)	آرای علامه طباطبایی (افق مولف)
<p>"انسان موجودی مرتبط با محیط، اجتماعی و مدنی است"، هفتمین مبنای هستی شناسانه کلی آفرینش مرتبط با تربیت انسان</p>	<p>- خداوند درک یک مسأله ای را در فطرت بشر نهاده و آن اینکه باید زندگی اجتماعی تشکیل دهد و خود به تنهایی نمی تواند ادامه حیات دهد (ج ۱۰: ص ۵۵۵ و ج ۲: ص ۱۹۵).</p>
<p>"سرایت محیطی اخلاق" به معنای تسری پیدا کردن حلقوی تأثیر عوامل محیطی در صفات اخلاقی انسان دومین مبنای زمینه ای تربیت اخلاق محور است.</p>	<p>- وجود صفات و اخلاق به وسیله سرایت در عمل، وسعت عرضی پیدا می کند و باعث نفوذ سنت های دینی و غیر دینی می شود (ج ۲: ص ۲۲۵). - ارتباط دیگری میان اعمال و ملکات آدمی و میان اوضاع و احوال و جو زندگی و عوامل خارج از ذات انسان است که در ظرف زندگی او حکم فرماست مانند آداب و رسوم و سنن و عادت های تقلیدی که انسان را به موافقت با خود دعوت می کند و صورت های جدیدی در انسان ایجاد می کند که از مخالفت با آن وحشت می کند (ج ۱۳: ص ۲۶۳).</p>
<p>"اصلاح بستر محیطی" یعنی اصلاح شرایط خانوادگی و اجتماعی زمینه ساز سرایت محیطی صفات خلقی؛ اصل اول مترتب بر مبنای سرایت محیطی اخلاق است.</p>	<p>- وقتی تربیت در رشد اخلاق و غرائز در یک فرد انسان موثر واقع می شود که جو جامعه با آن تربیت معارضه نکند و گرنه تربیت یا اصلاً موثر واقع نمی شود و یا آن قدر ناچیز است که قابل اندازه گیری نیست (ج ۴: ص ۱۵۴). - اسلام حد کمال و تمام رسیدن به مکارم اخلاق را وقتی می داند که بشر دارای زندگی اجتماعی صالح باشد (ج ۴: ص ۱۷۲).</p>
<p>"رعایت الگوی تربیتی" اصل دوم مترتب بر مبنای سرایت محیطی اخلاق است.</p>	<p>- یکی از شرایط تربیت صحیح آن است که مربی اوصافی را که به شاگرد پیشنهاد و سفارش می دهد، باید به همان جویری که می خواهد شاگرد دارای آن اوصاف باشد، خودش ملبس شود (المیزان، ج ۶: ص ۳۷۰).</p>
<p>بر اساس مبنای هستی شناسی اجتماعی بودن انسان، "سرایت محیطی اخلاق" دومین مبنای زمینه ای تربیت اخلاق محور است که "اصلاح بستر محیطی" و "رعایت الگوی تربیتی" اصول مترتب بر آن هستند.</p>	<p>کد نظری (ادغام افق مولف و محقق)</p>



شکل ۱- شمایی از مبانی هستی شناسانه انسان و مبانی اصول ایجابی
 و زمینه ساز تربیت اخلاق محور بر اساس آرای علامه طباطبایی

سوال دوم تحقیق: تعریف تربیت اخلاق محور به منظور کاربرد در عرصه فرزندپروری

چیست؟

جدول ۸- کدهای تبیین کننده ارکان و اهداف تعریف تربیت اخلاق

محور بر اساس ادغام افق علامه طباطبایی و محقق

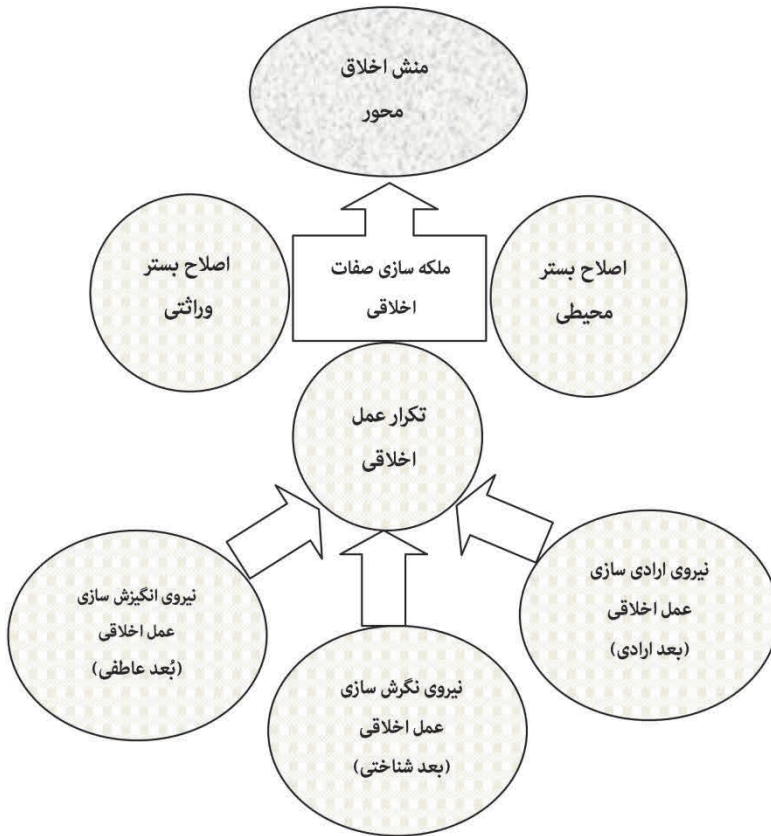
نقش مداخله ای در الگوی فرزندپروری تربیت منش اخلاق محور	معنای شکل گرفته در افق محقق	معنا در افق مولف	آراء علامه طباطبایی (مولف)
آگاهی افزایشی پیرامون مسئولیت والدگری در قبال هدف و چشم اندازی که برای نهایت بودن فرزندان تصویر شده است، تسهیل گر فرایند تغییر در الگو است.	"چشم انداز نهایی بودن انسان"، سعادت مندی به معنای رسیدن به لذت در شأن انسانی و نائل شدن به کمالات مربوط به روح و جسم؛ است که به وسیله تربیت اخلاق محور به دست می آید.	نهایت مسیر حرکت انسان، به وسیله تربیت اخلاق محور، سعادت مندی او در هردو شأن جسمانی و روحانی است.	- سعادت هر چیزی عبارت است از رسیدنش به خیر وجودش تا به وسیله آن، کمال خود را یافته و در نتیجه متلذذ شود؛ و سعادت در انسان که موجودی مرکب از روح و بدن است، عبارت است از رسیدن به خیرات جسمانی و روحانی اش و متنعم شدن به آن و شقاوت عبارت است از نداشتن و محرومیت آن (المیزان، ج ۱۱: ص ۲۲). - اگر بشر زیر سایه تربیت قرار گیرد، آنگاه شروع کند به سیر تکاملی در مدارج علم و عمل و سیر به سوی سعادت واقعی (ج ۴: ص ۱۸۸). - اسلام سعادت زندگی واقعی یعنی زندگی اخروی بشر را جز با مکارم اخلاق و طهارت نفس از همه رذائل تأمین شدنی نمی داند (ج ۴: ص ۱۷۲).
آگاهی افزایشی پیرامون ویژگی های فرزندپروری مؤثر، تسهیل گر فرایند تغییر در الگو است.	"ویژگی تربیت اخلاق محور"، تکاملی و مرتبه ای بودن پرورش اخلاقیات و فضیلت ها در انسان است.	مسیر خاص تربیتی در انسان که ویژگی تکاملی و مرتبه ای دارد، به وسیله ترکیه و پالایش اخلاقی قابل طی شدن است.	- هر نوع از انواع موجودات مسیر خاص (تربیتی) در طریق استکمال برایشان وجود دارد که آن مسیر دارای مراتب خاصی است که هر یک مترتب بر دیگری است تا منتهی شود به عالی ترین مرتبه کمال که همان غایت و هدف نهایی نوع است (ج ۱۶: ص ۲۸۴).

نقش مداخله ای در الگوی فرزندپروری تربیت منش اخلاق محور	معنای شکل گرفته در افق محقق	معنا در افق مولف	آراء علامه طباطبایی (مولف)
<p>آگاهی افزایشی پیرامون عوامل زمینه ای موثر در فرایند فرزندپروری اخلاق محور و تلاش برای اصلاح آن، عامل تغییر در الگو است.</p>	<p>"عامل زمینه ای تربیت اخلاق محور"، فرایند "اصلاح بستر محیطی و وراثتی" است.</p>	<p>ارتباط میان اعمال و ملکه‌های اخلاقی در انسان، به وسیله دو عامل شاکله شخصی (وراثتی و ذاتی) و بستر و شرایط زندگی اجتماعی (غیر ذاتی) قابل تبیین است.</p>	<p>- یک شاکله آدمی زاینده نوع خلقت و خصوصیات ترکیب مزاج اوست که شاکله ای شخصی و خلقتی است (ج ۱۳: ص ۲۶۴).</p> <p>- ارتباط دیگری میان اعمال و ملکات آدمی و میان اوضاع و احوال و جو زندگی و عوامل خارج از ذات انسان است که در ظرف زندگی او حکمفرماست مانند آداب و رسوم و سنن و عادت‌های تقلیدی که انسان را به موافقت با خود دعوت می‌کند و صورت‌های جدیدی در انسان ایجاد می‌کند که از مخالفت با آن وحشت می‌کند (المیزان، ج ۱۳: ص ۲۶۳).</p>
<p>به کارگیری فرایندهای تغییر آگاهی افزایشی و عملی، در مسیر تربیت اخلاق محور، باعث تحقق هدف نهایی الگوی فرزندپروری یعنی ایجاد شاکله خُلقی یا منش اخلاقی با محوریت ملکه سازی صفت عدالت یعنی پیروی از حق هر چیزی، است.</p> <p>هرچیز در فرزند می‌شود.</p>	<p>"هدف نهایی تربیت اخلاق محور" ایجاد شاکله خُلقی یا منش با محوریت ملکه سازی صفت عدالت یعنی پیروی از حق هر چیزی، است.</p>	<p>شاکله خُلقی وادارکننده انسان برای عمل به گونه خاصی است، و ملکه سازی فضیلت‌های حاصل از اعتدال خُلقی در انسان باعث شکل گیری صفت عدالت یعنی پیروی از حق هرچیز و دوری از افراط و تفریط می‌شود.</p>	<p>- (منظور از) شاکله در زبان عربی از ریشه "سَكَلَ" به معنای چیزی را با عقالی مشخص و مقید کردن، همان خوی و اخلاق بوده و نام گذاری آن به این دلیل است که انسان را وادار می‌کند به مقتضا و متناسب با آن اخلاق رفتار کند (ج ۱۳: ص ۲۶۰).</p> <p>- آیه (۸۴ سوره اسرا) متعرض حال آدمی بعد از پیدا شدن شاکله و شخصیت خُلقیه است (ج ۱۳: ص ۲۶۸).</p> <p>- در صورتیکه عفت، شجاعت و حکمت (فضیلت‌های حاصل از اعتدال خُلقی در قوای سه گانه انسان) هر سه در کسی جمع شود، ملکه چهارمی در او پیدا می‌شود که خاصیت و مزاج آن غیر خاصیت آن سه قوه است و آن عبارت است از عدالت (ج ۱: ص ۵۶۰).</p>

نقش مداخله ای در الگوی فرزندپروری تربیت منش اخلاق محور	معنای شکل گرفته در افق محقق	معنا در افق مولف	آراء علامه طباطبایی (مولف)
			<p>عدالت یعنی حق هرقوه ای را به خودش بدهی و هرقوه ای را در جای خودش مصرف کنی که افراط و تفریط آن ستمگری و ستم کشی خواهد بود (ج:۱: ص ۵۶۰).</p>
<p>مداخله تربیتی پایدار، بر روی مولفه عمل اخلاقی در الگوی فرزندپروری اخلاق محور از طریق راهبرد ملکه سازی صفتی در فرزند امکان پذیر می شود.</p>	<p>"فرایند تثبیت اعمال اخلاقی" از طریق ملکه سازی صفات، باعث ایجاد شاکله یا منش خُلقی به مرور زمان در انسان می شود.</p>	<p>علم اخلاق به عنوان یک فن توضیح می دهد که ملکه سازی صفات اخلاقی از طریق تکرار افعال اختیاری، باعث شکل گیری و تثبیت اعمال اخلاقی در انسان می شود.</p>	<p>- علم اخلاق فنی است که درباره ملکه سازی صفت های خُلقی انسان بحث می کند (ج:۱: ص ۵۵۹). - علم اخلاق حد فروع را برایت بیان می کند و راهنمایی ات می کند چگونه از دو طریق علم و عمل آن خوب را در نفس خود ملکه سازی (ج:۱: ص ۵۶۰). - ملکات به نفس انسان صورتی می دهد که یا هم سنخ با سعادت و کمال اوست و یا مایه شقاوت او و تعیین راه سعادت و شقاوت انسان به عهده همین صورت هاست (ج:۲: ص ۲۲۱). - این ملکات و صورت ها که برای نفس پیدا می شود، از راه افعال اختیاری او عمل می کند (ج:۲: ص ۲۲۲).</p>
<p>مداخله تربیتی پایدار، بر روی مولفه عمل اخلاقی در الگوی فرزندپروری اخلاق محور از طریق راهبرد ملکه سازی صفتی در فرزند به وسیله کار تربیتی در سه سطح نگرش سازی شناختی، رغبت</p>	<p>راهبرد ملکه سازی صفات اخلاقی به وسیله تکرار عمل در انسان، از طریق سه نیروی نگرش سازی (بُعد شناختی انسان یعنی ایجاد عقیده و بینش اخلاقی)، رغبت سازی (بُعد عاطفی) انسان یعنی ایجاد</p>	<p>تکرار عمل اختیاری در انسان به وسیله یکی اعتقاد به درستی و نادرستی کار، دیگری رغبت و میل داشتن به انجام آن و در نهایت اراده انجام عمل را پیدا کردن، امکان پذیر می شود.</p>	<p>- این ملکات و صورت ها که برای نفس پیدا می شود، از راه افعال اختیاری او، و افعال اختیاری هم از راه اعتقاد به درستی و نادرستی و رغبت به منافع و ترس از ضررها منشأ می گیرد (ج:۲: ص ۲۲۲). - تمام امور زندگی و فعالیت های انسان با دو صفت حُب (دوست داشتن) و بُغض (دوست نداشتن) اداره می شود (ج:۹: ص ۱۵۶). - حُب عبارت است از یک تعلق، که اثری</p>

نقش مداخله ای در الگوی فرزندپروری تربیت منش اخلاق محور	معنای شکل گرفته در افق محقق	معنا در افق مولف	آراء علامه طباطبایی (مولف)
سازي انگيزشي- عاطفي و ارادي سازي عملي امکان پذير مي شود.	برانگيختگي انگيزشي انجام عمل اخلاقي) و ارادي سازي (بُعد ارادي انسان يعني ايجاد آهنگ انجام عمل اخلاقي) محقق مي شود.		در دارنده اش دارد و آن اينکه قوه اورا به سوس فعليّت يا ترک آن مي کشاند... يعني قواي انسان را به سوي افعالش به حرکت در مي آورد (ج: ۱؛ ص: ۶۲). - حقيقت قوانين تنها معلوماتي است که جايش در ذهن و دل مردم است و وقتي اراده انسان به آن تعلق بگيرد، مورد عمل واقع مي شود. يعني اعمالی بر طبق آن انجام مي دهد (ج: ۴؛ ص: ۱۷۳).

<p>تربيت اخلاق محور که به معنای پرورش تکاملی و مرتبه ای علمی و عملی فضیلت‌ها در انسان (فرزند) است، راهبرد نیل به چشم انداز و هدف نهایی یعنی کمال سعادت در هر دو شأن روحانی و جسمانی او بوده که این هدف از طریق فرایند "ملکه سازی صفات اخلاقی" با تکرار عمل اخلاقی به وسیله سه نیروی "نگرش سازی" (توحید محور) (بُعد شناختی یعنی ایجاد بینش و اعتقاد به درستی و نادرستی عمل)، "رغبت سازی" (بُعد عاطفی یعنی برانگیزختگی انگیزشی برای انجام عمل) و "ارادی سازی" (بُعد ارادی یعنی آهنگ انجام عمل) باعث شکل گیری "منش اخلاقی" در یک بستر محیطی زمینه سازی شده، می شود.</p>	<p>کد نظری (ادغام معنای افق مولف و محقق)</p>
--	--



شکل ۲- شمایی از فرایند شکل گیری و تحقق الگوی تربیت منش اخلاق محور
مبتنی بر ادغام افق مولف (علامه طباطبایی) و محقق

سوال سوم تحقیق: ملاحظات کاربردی فرزندپروری اخلاق محور مبتنی بر مبانی،

اصول و تعریف تربیت اخلاق محور ارائه شده، شامل چه مواردی است؟

"اخلاق" نظام از پیش ترسیم شده ای در وجود انسان نیست؛ بلکه انسان در طبیعت و سرشت خود دارای استعدادهایی است که او را قادر می سازد ویژگی های اخلاقی مختلفی در وجودش شکل بگیرد. بنابراین هدف این بخش پژوهش تبیین روش های تربیت منش اخلاق محور به منظور ارائه در الگوی فرزندپروری بود تا بتوان از این طریق

استعدادهای اخلاقی را در فرزندان به گونه ای پرورش داد که سازگار با طبیعت انسان، ویژگی‌ها و صفات پسندیده در آنها ایجاد شده و با تمرین و تکرار عمل، به تدریج منش اخلاقی در وجودشان شکل بگیرد.

این روش‌ها در الگوی تربیت منش اخلاق محور باید به گونه ای ارائه شوند که والدین با امیال و گرایش‌های طبیعی فرزند درنیفتاده و زمینه سرکوب آن را ایجاد نکنند که در این صورت شکست و سرپیچی از نظام تربیتی اخلاق محور اتفاق می‌افتد. در این شرایط، هدایت امیال و گرایش‌های طبیعی فرزندان و شکل دادن به صفات و "منش اخلاقی" در آنها در تعریف "تربیت منش اخلاق محور" مبتنی بر فهم هرمنوتیک آرای علامه طباطبایی نشان داد که نقطه گذاری در این الگو برای ایجاد چرخه ای از تغییرات، "نظام نگرشی" کودک شامل سه جزء "شناختی" (یعنی ایجاد بینش و اعتقاد به درستی و نادرستی اعمال)، "عاطفی" (یعنی برانگیختگی انگیزشی برای انجام اعمال) و "ارادی" (یعنی آهنگ انجام اعمال) اخلاقی در خود کودک از طریق تغییر همزمان در مولفه تربیتی والدین است. در این شرایط، والدین مبتنی بر تعریف تربیت منش اخلاق محور برای ثبات و پایداری صفات اخلاقی در فرزند خود از دو راهبرد ایجاد "نگرش اخلاقی" در کنار تکرار اعمال برای "ملکه سازی صفات اخلاقی" از طریق روش‌های "القایی و فعال" استفاده می‌کنند.

براین اساس نتیجه می‌گیریم تربیت اخلاق محور ارائه شده در این پژوهش به صورت رسمی از خانواده آغاز می‌شود و باید توسط نظام تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش و در سطح جامعه ادامه یابد. که ارائه صرف اطلاعات در مورد اخلاقیات نبوده و از طریق روش‌هایی که بر اساس مبانی و اصول مدونی شکل گرفته، حاصل می‌شود. برای آموزش این موارد در قالب الگوی فرزندپروری جهت نیل به یک "منش اخلاقی" باید ملاحظات زیر را در نظر گرفت:

اول. ایجاد "ثبات اخلاقی" به معنای پایداری و دوام داشتن صفات اخلاقی در نفس

انسان، در تحقق امر تربیت اخلاق محور از اهمیت بالایی برخوردار بوده و به عنوان اولین مبنای ایجابی فرزندپروری اخلاق محور محسوب می‌شود. زیرا ساختن منشی با ثبات از نظر خلق و خوی صفاتی، فرد را کمتر در چنگ چالش‌گرایی‌ها و خواهش‌های متعارضی که باعث کشاندن انسان به هر سمت و سویی می‌شود، سرگردان کرده و درونی شدن آن از طریق فرایند ملکه‌سازی، زمینه شکل‌گیری منش خلقی پایدار می‌شود. لذا "ملکه‌سازی" به معنای نقش بستن ثابت علمی و عملی صفات اخلاقی در وجود انسان از طریق القای آن و ایجاد اعتقاد در فرزند پیرامون درستی و نادرستی کارها در کنار تکرار عمل مبتنی بر صفات خلقی پسندیده اصل اول فرزندپروری اخلاق محور مقرر می‌شود تا در این حالت ملکه‌های اخلاقی ایجاد شده در فرد، عامل شکل‌گیری عملکردهای رفتاری مبتنی بر آن صفات شوند. علاوه بر این "ثبات" و استقرار اخلاق در نفس انسان و به طور خاص کودک در این الگو، نیازمند ضامنی است که عمل براساس آن را ضمانت کند و شکل‌گیری "نگرش اخلاقی" با محوریت توحید یعنی ایجاد‌گرایی ذهنی برای انجام عمل در او با اعتقاد به وجود خداوند به عنوان ناظر بر اعمال انسان و جزا و پاداش آخرتی، به عنوان پیش شرط آن که همانند یک سازوکار پنهانی رفتار را هدایت کند، عهده دار این کار خواهد بود که روش‌های فرزندپروری اخلاق محور مبتنی بر آن شکل خواهد گرفت.

دوم. تسری پیدا کردن حلقوی تأثیر اعمال انسان در صفات خلقی و بالعکس، تأثیر صفات خلقی فرد بر روی اعمال و افعال و عملکرد رفتاری اش، به معنای "سرایت فعلی" در نفس انسان بوده و دومین مبنای ایجابی تربیت اخلاق محور است. به این معنا که کارها و افعالی که از کودک صادر می‌شود، مبتنی بر اصل اول یعنی "ملکه‌سازی صفات"، تکرارشان باعث ایجاد صورتی در نفس می‌شود که به صورت ملکه برای او عمل کرده و در منش انسان اثر وضعی و روانی را برجای خواهد گذاشت. لذا اگر این کار، نیک و از حُسن فعلی برخوردار باشد، انسان را در مسیر سعادت قرار می‌دهد ولی اگر این فعل

زشت و رذیلت باشد، او را به شقاوت خواهد رساند. و این هدف با توجه به اصل بعدی تربیت اخلاق محور یعنی "اعتدال" به معنای ایجاد تعادل در قوای وجودی انسان یعنی قوه شهوت (با کارکرد جلب منفعت)، قوه غضب (با کارکرد دفع ضرر) و قوه فکر (با کارکرد ارزیابی نفع و ضرر) به عنوان عامل شکل‌گیری صفات اخلاقی یا فضیلت‌ها در فرایند فرزندپروری اخلاق محور به وسیله والدین باید صورت گیرد.

سوم. در مرحله شناخت و ایجاد آگاهی به چگونگی روش‌های دستیابی و آراسته شدن به خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها، تشخیص و علم پیدا کردن به حقایق اخلاقی یکی از مولفه‌های اصلی فرزندپروری اخلاق محور محسوب می‌شود. زیرا نیروی بینش (علم و شناخت اخلاقی) در کنار نیروی کنش (عمل اخلاقی) دو عامل اصلی تحقق فعل اخلاقی در انسان هستند. در این شرایط ایجاد علم و بینش اخلاقی از طریق تشخیص متفکرانه حق و باطل و خوب و بد اخلاقی بر عهده عقل انسان گذاشته شده است. زیرا این قوه، قابلیت تشخیص اعمال پسندیده و غیرپسندیده اخلاقی را داشته در نتیجه سومین مبنای روشی ایجابی تربیت اخلاق محور انسان می‌باشد. در این حالت پرورش تفکر عقلانی که به معنای ایجاد قابلیت تشخیص خوب و بد اخلاقی از طریق استدلال ورزی و تدبیر در کودک است، به عنوان اصل مترتب بر آن زمینه استحکام عقلی در فرزند را ایجاد کرده و در نتیجه شکل‌گیری عملکردهای رفتاری اخلاق محور مبتنی بر صفات پسندیده تسهیل خواهند شد. البته چون خداوند عقل را به نیرویی تعریف کرده که انسان به وسیله آن راه را به سوی حقایق معارف و اعمال صالح پیدا نموده و پیش بگیرد؛ و اگر عقل انسان قلمرو علمش به دیوار خیر و شرهای دنیوی محدود گردد، دیگر عقل نامیده نمی‌شود؛ در نتیجه برای تربیت و هدایت فرزند تجهیز او به قوای عقلانی کفایت نمی‌کند و اسلام حد کمال و تمام رسیدن به مکارم اخلاق را وقتی می‌داند که انسان دارای حیاتی متکی بر بندگی خدای سبحان باشد و این نوع از هدایت و تربیت در فرایند فرزندپروری اخلاق محور همان علم توحیدی برای انسان و فرزند خواهد بود که توسط والدین باید

مورد توجه قرار بگیرد.

چهارم. اسلام سازگار با حقیقت ارتباط ویژگی های طبیعی هر دو بعد مادی و معنوی انسان و حقایق هستی و آفریدگار آن، برای انسان چارچوب و نظامی اخلاقی تعیین کرده است، که البته سیادت اخلاقی بر طبیعت و انگیزه های بشری و واقعیت مادی او، تنها در صورتی شدنی است که نیروی اخلاقی در افراد ایجاد و پروراند شود؛ و این پرورش دست نمی دهد جز در دو طریق اول، شناخت و تشخیص حقایق اخلاقی و دوم، عمل بر اساس علم کسب شده. بر این اساس "عاملیت" که به معنای انجام عملی فعل اخلاقی از طریق تکرار مداوم و اختیاری آن است؛ به عنوان چهارمین مبنای ایجابی فرزندپروری اخلاق محور محسوب می شود. که البته در جهت تحقق این امر، یکی از اصول مهم، پرورش "اراده" در کودک است. به این معنا که قصد کردن برای انجام کارها به گونه ای که زمینه صدور فعل مخصوصی شود، باید در فرزند شکل بگیرد. زیرا اراده، میلی است که بعد از اعتقاد بر سود و نفع چیزی در فرد پیدا می شود. بر همین اساس "اراده" که به معنای ایجاد میل و رغبت در انسان جهت انجام عمل اختیاری است؛ به عنوان اصل ایجابی مترتب بر مبنای عاملیت، واسطه تحقق و شکل گیری فعل اخلاقی در کودک می شود.

البته تحقق اراده به انجام عمل نیز باید بر اساس سنجش و معیاری صورت گیرد که این معیار، "حقانیت" یعنی راستی و درستی واقعی عمل است. ولی نیل به حق اعمال و افعال به دست نمی آید جز از طریق گوش سپاری به گفته های مختلف و تفکر نسبت به آنها و سپس انتخاب بهترین گفته بعد از تفکر عقلی؛ البته عقلی که محصور به هوای نفسانی نبوده و تعادل قوای وجودی انسان به خاطر افراط و تفریط به هم نخورده باشد و سود و زیان واقعی مورد محاسبه قرار بگیرد. در چنین حالتی در فرایند رزندپروری اخلاق محور، این کودک ظرفیت پذیرش سخن های مختلف را داشته و وضعی به خود می گیرد که هر سخن حقی را می پذیرد و آن را رد نمی کند و بر اساس آن عمل می کند.

پنجم. در مرحله ایجاد انگیزش ها و تمایلات پیرامون تحقق عمل، چگونگی ایجاد

عاطفه و احساس اخلاقی در فرزند از اهمیت بالایی برخوردار است. به این معنا که ایجاد گرایشی عمیق به امور اخلاقی به گونه ای شکل گیرد که وادارنده و بازدارنده به صورت هم زمان بوده و زمینه رفع رذیلت‌های اخلاقی را ایجاد می‌کند. در این حالت مفهوم برانگیختگی انگیزشی یا تحریک و تشویق فرزند برای انجام پایدار عمل اخلاقی جهت تحقق ثبات آن در منش، در ارتباط با مبانی جزایی (یعنی پاداش و سزای نیک و بد) اخلاق تبیین می‌شود. زیرا انسان برای التزام عملی و مراعات دستورهای اخلاقی به تشویق‌ها، بیم‌ها و انگیزه‌های متنوعی نیازمند است. که این منابع انگیزشی می‌توانند بر اساس محرک‌های "دنیاوی"، "آخرتی" یا "حُبی"، کودک را جهت انجام عمل ارادی دچار برانگیختگی کنند. البته پیرامون برانگیختگی انگیزشی دنیاوی، مساله تعریف و مدح مردم (به عنوان منبع انگیزشی انسانی) تا حدی مشوق است که مردم از آن آگاه شوند. لذا محرک‌هایی می‌توانند این ثبات و پایداری اخلاقی را در انسان تضمین کنند که مبتنی بر نگرش توحیدی بوده و او را بر این اساس متوجه اهداف اخلاقی کرده و بستر انجام با دوام اعمال اخلاقی را فراهم کنند. در این حالت محرک انگیزشی انسانی، مبتنی بر ارزیابی عاقبت دنیاوی و محرک انگیزش آخرتی، مبتنی بر یکی عاقبت اندیشی آخرتی و دیگری روش ایجاد محبت الهی به عنوان اصول ایجابی مبنای "انگیزش"، از این طریق عامل تحقق تربیت اخلاق محور در این الگوی فرزندپروری می‌شود.

ششم. در مرحله شکل‌گیری اراده برای تحقق عمل، وجود بستروراثتی و محیطی اخلاق محور بسیار ضروری بوده و لذا والدین قبل از ورود به فرایند فرزندپروری اخلاق محور، رعایت الگوی تربیتی و اصلاح بستر محیطی و وراثتی را مدنظر باید داشته باشند که در غیر این صورت نتیجه و تأثیر آن بسیار محدود خواهد بود. زیرا تأثیرگذاری خانواده و محیط اخلاقی آن بر فرد، ظرفیت و امکان زیادی است که تمرکز بر آن قدرت زیادی در ثمر دادن برنامه‌های فرزندپروری اخلاق محور خواهد داشت طوریکه این الگورا گونه ای از مداخله سیستمی و خانوادگی نشان می‌دهد. لذا اصلاح صفات و خصوصیات روحی و

اخلاقی که از طریق وراثت به انسان منتقل می‌شوند، به منزله یک بسترزمینه ساز در کنار عوامل محیطی تربیتی، می‌تواند به عنوان اصل اول روشی زمینه ساز فرزندپروری اخلاق محور، بستر تحقق تربیت اخلاق محور را فراهم کند.

هفتم. الگوی فرزند پروری اخلاق محور در سه لایه بیشترین اثرگذاری را نشان خواهد داد؛ لایه اول به جنبه "آموزشی" اشاره می‌کند که والدین در قالب مجموعه قوانین و کدهای اخلاقی در ارتباط با فرزندان شان برای پرورش بینش عقلانی، عاطفه اخلاقی و اراده تکرار عمل در وضعیت‌های مختلف صادر می‌کنند. لایه دوم "اصلاح بستر محیطی" در کنار اصلاح درونی فرد، به عنوان اصل زمینه ای در این مبنا هم افزایی ایجاد می‌کند که در تعامل با یکدیگر، یکی ابزاری برای دیگری در جهت تحقق اهداف تربیت اخلاق محور شوند. به این معنا که تلاش برای تربیت اخلاق محور فرد در کنار اصلاح بستر اخلاقی محیط خانواده و اجتماع، در واقع یک چیز است و اصلاحات اخلاقی اجتماع و محیط تنها ابزار ایجاد شخصیت‌هایی با هویت و منش اخلاقی بوده و همچنین تربیت انسان‌های اخلاق محور، تنها ابزار شکل‌گیری جامعه صالح خواهد بود. این امر به این معناست که به کارگیری روش‌های ایجابی تربیت اخلاق محور به تنهایی کافی نبوده و کودک باید در بستر الگوهای تربیتی صالح و اخلاقی هم قرار بگیرد. زیرا الگو علاوه بر آموزش پاسخ‌های جدید میتواند احتمال رخ دادن رفتارهای آموخته شده را نیز تحت تأثیر قرار دهد. زیرا فرزند بیشتر از آنکه تحت تأثیر آموزه‌های اخلاقی نظری قرار بگیرد، از طریق مشاهده و در قالب تعاملی که با والدین خود دارد، می‌آموزد و باورها، عیایق و حتی عادات اخلاقی او متأثر از تعاملات واقعی اش شکل می‌گیرد.

ولایه سوم به جنبه "سبک فرزندپروری" والدین در این الگو بر می‌گردد. یعنی آن رفتارها و روش‌های تعاملی و ارتباطی خاصی که با فرزندان به کار بسته می‌شود. که اگر فرزندپروری اخلاق محور بدون توجه به لایه سوم، یعنی سبک ارتباطی صحیح، صرفاً محدود به آموزش و ارائه کدها و قوانین و بایدها و نبایدهای اخلاقی شود، دستاورد

چندانی نخواهد داشت. در این الگو منظور از سبک فرزندپروری موثر، تأثیر تربیتی عملکرد والدین بر حسب دو شاخص ارتباط صمیمی و محبت با فرزندان با دو ویژگی مودت و رحمت داشتن در فضایی مبتنی بر گفتگو، تبیین و اقناع اصول و قوانین و باید‌ها و نبایدهای اخلاقی با ارائه توضیحات و دلایل روشن و شنیدن احساس و عقیده کودک در امور، در کنار تقاضا مندی و برقراری انضباط موثر جهت اخلاقی عمل کردن او در یک نگرش جدید با عنوان "سبک فرزندپروری مسئولانه" است.

این امر به معنای آن است که والدین همزمان با کنترل منطقی فرزندان در زمینه تشویقی و تنبیهی در کنار ایجاد نگرش توحید محور، انضباط اخلاقی را بر آنها اعمال کرده و به تدریج با ایجاد فضایی تسهیل گرانه نگرش‌ها و صفات اخلاقی را به ویژگی‌های شخصی و ارزش‌های "خود" در کودک تبدیل تا یکپارچه سازی درونی صورت بگیرد و منش اخلاقی در شخصیت فرزند حکمفرما شود. یعنی والدین در این سبک فرزندپروری در یک "فرایند تدریجی، تکاملی و مرحله ای" در سنین مختلف فرزند از ابتدا متناسب با ویژگی‌های رشدی، با تکرار اعمال و عقاید اخلاقی، کودک خود را در امر تربیت اخلاقی همراهی کرده و به مثابه یک راهبری می‌شوند که هم پای فرزندان آمادگی رویارویی با وضعیت‌هایی را پیدا می‌کنند که در آن تصمیم‌گیری مبتنی بر رشد اخلاقی در آنها صورت می‌پذیرد. بنابراین ترسیم جایگاه والدین در این الگو به کارگیری روش‌های جدید فرزندپروری و دیدن تأثیرات آن بر رفتار فرزندان، ابعاد مختلف ایجاد تغییر را در این فرایند نشان می‌دهد.

هشتم. در الگوی فرزندپروری تربیت منش اخلاق محور ابعاد تغییر حول محور دو عامل فرد مربی (یا والدین) و فرد متربی (یا فرزندان) بررسی می‌شود. به این معنا که در این الگوی فرزندپروری عامل اصلی تغییر، والدین (با تمرکز بر نقش موثر تربیتی مادران) هستند. به این معنا که پدر و مادر در این الگو طراح و مجری فعالیت‌های تربیتی بوده و هر قدم در این فعالیت تربیتی، تأثیرگذاری را بر رفتار و اعمال فرزندان می‌گذارد و تکرار آن

اعمال، منشی مطابق با آن در کودک ایجاد می‌کند. بر این اساس تبیین نقش والدین در الگوی فرزندپروری اخلاق محور به مثابه یک معلم و الگوی اخلاق که علاوه بر آموزش پاسخ‌های جدید، احتمال رخ دادن رفتارهای آموخته شده را نیز تحت تأثیر قرار دهند، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در این حالت ایشان به عنوان عامل تغییر، همزمان به رشد اخلاقی در خودشان نیز دقت و توجه می‌کنند. زیرا تغییر دهنده و تغییر کننده در این الگویی بوده و والدین همپای فرزندان با تمرکز بر تغییر خود در کنار روش‌ها و سبک‌های فرزندپروری، زمینه ایجاد تغییرات منشی پایدار در نسل شان را نیز فراهم می‌کنند.

علاوه بر این در جریان شناسی فرایند فرزندپروری اخلاق محور، اولین نمود تغییری که جلب توجه می‌کند، تغییر در فرزندانی است که تحت تاثیر فعالیت‌های تربیتی قرار می‌گیرند. لذا از آنجا که هدف از اجرای این الگوی فرزندپروری ایجاد تغییرات در منش خُلقی فرزندان است، عدم توجه و دقت کافی در چگونگی انجام راهبردها و روش‌های عملی تربیت که مورد استفاده قرار می‌گیرد، کم شدن دایره تأثیر پذیری اخلاقی کودکان را به همراه خواهد داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

معمولاً هر نظریه دارای مبانی و اصول خاصی است که نظریه پرداز حیطه و پدیده مورد نظر خود را بر اساس آن تبیین و توصیف می‌نماید. در این پژوهش نیز با هدف ارائه نظریه ای پیرامون تربیت انسان به منظور به کارگیری آن در عرصه فرزندپروری، تلاش کردیم با مطالعه عمیق و درک آموزه‌های علامه طباطبایی (ره) پیرامون تربیت و اخلاق و واژه‌های کشف شده دیگر در جریان پژوهش، به تعریفی زیربنایی از این مفهوم و مبانی و اصول مترتب بر آن نائل شویم تا بر این اساس توانبخشی والدین در عرصه والدگری به وسیله آموزش‌های مبتنی بر جامعه به وسیله مشاوران و مربیان این حوزه در بستر علمی که مبتنی بر هستی‌شناسی اصیل انسانی از نگاه قرآن است، صورت گیرد.

یافته‌های پژوهش نشان داد نظریه محوری تربیت از دیدگاه علامه طباطبایی، مفهوم "تربیت اخلاق محور" به معنای پرورش تکاملی و مرتبه‌ای علمی و عملی فضیلت‌ها در انسان (فرزند) است، که راهبرد نیل به چشم انداز و هدف نهایی یعنی کمال سعادت در هر دو شأن روحانی و جسمانی او بوده و این هدف از طریق فرایند "ملکه‌سازی صفات اخلاقی" با تکرار عمل اخلاقی به وسیله سه نیروی "نگرش‌سازی" (توحید محور) (بُعد شناختی یعنی ایجاد بینش و اعتقاد به درستی و نادرستی عمل)، "رغبت‌سازی" (بُعد عاطفی یعنی برانگیختگی انگیزشی برای انجام عمل) و "ارادی‌سازی" (بُعد ارادی یعنی آهنگ انجام عمل) باعث شکل‌گیری "منش اخلاقی" در یک بستر محیطی زمینه‌سازی شده، می‌شود.

همچنین مبتنی بر مفهوم هرمنوتیکی "تربیت اخلاق محور" مبانی آن در ۵ محور ایجابی شامل "ثبات اخلاقی" (با دو اصل ملکه ساختن صفات خُلقی و ایجاد نگرش توحیدی)، "سرایت فعلی" (با اصل اعتدال)، "عالمیت" (با دو اصل علم تعقلی و علم توحیدی)، "عاملیت" (با دو اصل اراده و حقانیت) و "انگیزش" (با سه اصل برانگیختگی انسانی، توحیدی و حُبی) و ۲ محور زمینه‌ای شامل "وراثت اخلاق" (با دو اصل اصلاح زمینه‌های وراثتی و رعایت تفاوت‌های استعدادی) و "سرایت محیطی اخلاق" (با دو اصل اصلاح بستر محیطی و رعایت الگوی تربیتی) قابل تبیین هستند.

بنابراین در این پژوهش بر اساس درک مبنایی و هدف‌گایی تربیت اخلاق محور اصول کلی که راهنمای عمل بوده و می‌تواند شیوه‌ها و روش‌های متناسب نیل به آن اهداف را به ما نشان دهد، تدوین شد. این اصول از همان آغاز تربیت و فرزندپروری مبنای عمل قرار می‌گیرند و در فرایند تربیت فرزندان و در رشد و پرورش آنها زمینه نیل به کمال و سعادت حقیقی در شأن جسمانی و روحانی را ایجاد می‌کنند. که البته متناسب با شرایط و محیط‌های تربیتی متفاوت، ممکن است خود را در قالب شکل‌ها و شیوه‌ها و فنون گوناگون نشان دهند. شکل‌ها و شیوه‌هایی که در عین تنوع، از نگاهی خاص به

انسان و هستی برخاسته و هدف مشخصی را مدنظر دارد.

در نتیجه تربیت اخلاق محور که به صورت رسمی از خانواده آغاز می شود و باید توسط نظام تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش و در سطح جامعه ادامه یابد، ارائه صرف اطلاعات در مورد اخلاقیات نیست و از طریق روش هایی که براساس مبانی و اصول مدونی شکل گرفته، حاصل می شود که برای آموزش آن در قالب الگوی فرزندپروری جهت نیل به یک "منش اخلاقی" در این تحقیق به کار بسته شد.

منابع

- باقری، خسرو. (۱۳۹۵). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی: کاوشی برای تدوین چارچوب نظری تربیت اسلامی (ج ۱). تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان (نشر مدرسه).
- بلیکی، نورمن. (۲۰۰۷). پارادایم های تحقیق در علوم انسانی (ترجمه: حسنی، حمیدرضا؛ ایمان، محمدتقی؛ ماجدی، مسعود. ۱۳۹۵). تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حیدری، رویا؛ عیسی نژاد، امید و یوسفی، ناصر. (۱۳۹۸). فراتحلیلی بر پژوهش های مربوط به اثربخشی برنامه های آموزش والدین بر اختلالات برونی سازی در کودکان. مجله پژوهش های مشاوره. ۱۸ (۷۱): ۳۵ - ۵۸.
- شریعتمدار، آسیه. (۱۳۹۶). طراحی الگوی اخلاقی خانواده امن و عاری از خشونت علیه زنان مبتنی بر نظرات نراقی. مجله پژوهش های مشاوره. ۱۶ (۶۲): ۳۲ - ۵۱.
- شیانی، ملیحه و زارع، حنان. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر برنامه های توانبخشی مبتنی بر جامعه بر میزان کیفیت زندگی سالمندان کهریزک: یک مطالعه موردی - شاهدی. فصلنامه اخلاق زیستی. ۲ (۵): ۴۵ - ۶۵.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. (ترجمه: موسوی همدانی، محمدباقر). قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه.

- Ailincal, R., & Weil-Barais, A. (2013). Parenting education: which intervention model to use?. *Procedia-social and behavioral science*, 106: 2008-2021.
- Baumrind, D. (1966). Effects of authoritative parental control on child behavior. *Child Development*. 37, 887-907.
- Becvar, D.S. & Becvar, R.J. (2014). *Family therapy: A systematic integration*. Pearson Publication.
- Bridge, H. (2001). Increasing Parental Involvement in The Preschool Curriculum: What an Action Research Case Study Revealed. *International Journal of Early Years Education*, 9 (1), 5-21.
- Deutch, A.R. Crockett, L.J. Wolff, J.M. Russell, S.T. (2012). Parent and peer pathways to adolescent delinquency: Variations by ethnicity and neighborhood

- content. *Journal of Youth and Adolescence*. 41 (8): 1078-1094.
- Foy-Phillips, P., Lloyd-Evans, S. (2011). Shaping children's mobilities: expectations of gendered parenting in the English rural idyll. *Children's Geographies*. 9: 379-394.
- Gillies, V. (2010). Is poor parenting a class issue? Contextualizing anti-social behavior and family life, in *Is Parenting a Class Issue?* Ed. M Klett-Davies, Family and Parenting Institute. London. pp: 44-61.
- Gottfredson, M.R. & Hirschi, T. (1990). *A General Theory of crime*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Hawkins, J.D. & Weis, J. (2017). The social development model: An integrated approach to delinquency prevention. *Journal of developmental and life course criminological theories*. 3-27.
- Holloway, S.L., Hubbard, P., Jöns, H., Pimlott-Wilson, H. (2010). Geographies of education and the importance of children, youth and families. *Progress in Human Geography*. 34: 583-600.
- Janosz, M., Archambault, I., Morizot, J., & Pagani, L. S. (2008). School engagement trajectories and their differential predictive relations to dropout. *Journal of Social Issues*, 64, 21-40.
- Jones, A.) 2011 (. Theorizing international youth volunteering: training for global (corporate) work?. *Transactions of the Institute of British Geographers*, New Series 36: 530-544.
- Kitchener, M & Harrington, Ch. (2007). Medical home and community-based services for the elderly: Trends in programs and policies. *J of Applied Gerontology*. 26 (3): 305-324.
- Martin, A ., Ryan, R.M & Brooks-Gunn, J. (2007). The Joint influence of mother and father parenting on child cognitive outcomes at 5. *Early Childhood Research Quarterly*. 22, 423-439.
- Rizzolo, M.C., Friedman, C., Lulinski-Norris, A & Braddock, D. (2013). Home and Community Based Services (HCBS) waivers: A nation wide study of the state. *Intellectual and developmental disabilities*. 5 (1): 1-21.
- Tye-Murry, N. (2019). *Foundations of aural rehabilitation: children, adults and their family members*. Plural Publishing.
- Vera, E.P. & Moon, B. (2013). An Empirical test of self control Theory among Hispanic youths. *Journal of youth violence justice*. 11 (1): 79-93.
- Witten, K. Kearns, R. McCreanor, T. Penney, L. Faalau, F. (2009). Connecting place and the everyday practices of parenting: insights from Auckland New Zealand. *Environment and Planning A*. 41: 2893-2910.
- Yildirim, M., Yildirim, S. (2014). The effects of the institution-based family training programs on the attitudes of parents. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 116: 2675 - 2681.